



نصرت الله

هر چه گشتیم بهتر از نیافتیم

در جنبش امل نیز از سر گرفت و در سال ۱۹۸۲ میلادی به‌عنوان نماینده منطقه بقاع در این جنبش انتخاب شد. همان سال، لبنان شاهد حمله گسترده رژیم صهیونیستی بود و فشارهای داخلی بر جنبش امل افزایش یافت تا با این رژیم وارد مذاکره شود. این موضوع باعث شد نصرالله و برخی دیگر از اعضای جنبش، از جمله سید عباس موسوی، رافع حرب و شیخ صبحی طفیلی، از امل جدا شده و گروهی را تشکیل دهند که بعدها به «حزب‌الله» معروف شد.

سید حسن نصرالله پس از اخراج از عراق، به قم رفت و مدتی در حوزه علمیه این شهر مشغول تحصیل شد. اقامت او در قم، فرصتی بود تا با فضای فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی ایران آشنا شود و تحت تأثیر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و علمای مبارز قرار گیرد. این دوران تأثیر عمیقی بر نگرش سیاسی و مبارزاتی او گذاشت و فهم او را نسبت به ضرورت تشکیل یک نیروی اسلامی مستقل برای مقاومت در برابر اشغالگری و استکبار جهانی تقویت کرد.

پس از مدتی، نصرالله به لبنان بازگشت و در حوزه علمیه بعلبک به تحصیل و تدریس ادامه داد. در آن زمان، جنوب لبنان تحت اشغال نیروهای رژیم صهیونیستی بود و جنبش‌های مقاومت اسلامی در حال شکل‌گیری بودند. نصرالله، که از دوران جوانی به جنبش امل پیوسته بود، بار دیگر فعالیت‌های خود را در این جنبش از سر گرفت و به سرعت در ساختار آن ارتقا یافت. او در سال ۱۹۸۲ به‌عنوان نماینده منطقه بقاع در جنبش امل انتخاب شد و تلاش‌های زیادی برای تقویت مبارزات مردمی علیه اشغالگران انجام داد.

در همان سال، رژیم صهیونیستی حمله گسترده‌ای را به لبنان آغاز کرد و بخش‌های زیادی از این کشور را به اشغال خود درآورد. این حمله، شرایط جدیدی را بر نیروهای مقاومت تحمیل کرد و موجب افزایش فشارهای داخلی و خارجی بر جنبش امل شد. برخی از رهبران این جنبش، تحت این فشارها، تمایل به مذاکره با دشمن پیدا کردند، اما این روند با مخالفت چهره‌های انقلابی جنبش از جمله سید حسن نصرالله، سید عباس موسوی، رافع حرب و شیخ صبحی طفیلی مواجه شد. اختلافات داخلی در جنبش امل باعث شد که در این گروه از مبارزان، که به ایدئولوژی مقاومت اسلامی و عدم سازش با دشمن اعتقاد داشتند، از امل جدا شوند و هسته اولیه گروهی را تشکیل دهند که بعدها به «حزب‌الله لبنان» معروف شد. این گروه، با الهام از انقلاب اسلامی ایران، راهبرد مقاومت مسلحانه را در پیش گرفت و با حمایت مردمی، به‌سرعت به یک نیروی تأثیرگذار در لبنان تبدیل شد. نصرالله که به‌دلیل شجاعت، دانش دینی و قدرت رهبری‌اش مورد احترام بود،

اولین اسلام تهرانی

تولد و دوران کودکی

سید حسن نصرالله در سال ۱۹۶۰ میلادی در منطقه اشرفیه بیروت چشم به جهان گشود. او در خانواده‌ای پرجمعیت رشد کرد و از همان کودکی علاقه وافری به آموزه‌های دینی داشت. پدرش، عبدالکریم نصرالله، با فروش میوه و سبزیجات امرار معاش می‌کرد و بعدها توانست مغازه‌ای برای خود تهیه کند. حسن کوچک اغلب در مغازه پدری می‌نشست و به تصویر امام موسی صدر خیره می‌شد. از روزی که همانند او باشد. برخلاف دیگر هم‌سن‌وسالانش، علاقه‌ای به بازی‌های معمول نداشت و بیشتر وقت خود را در مساجد مختلف منطقه می‌گذراند.

به طور دقیق‌تر و مفصل‌تر باید گفت: سید حسن نصرالله در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۶۰ (۹ شهریور ۱۳۳۹) در محله «کرتینا» در حومه شرقی بیروت، پایتخت لبنان، دیده به جهان گشود. خانواده او اصالتاً از روستای «البازوریه» در جنوب لبنان بودند؛ منطقه‌ای که همواره در طول تاریخ، پایگاهی مهم برای جریان‌های مقاومتی و مبارزات علیه اشغالگران بوده است. نصرالله در خانواده‌ای مذهبی و متدین پرورش یافت و از همان کودکی با مفاهیم دین، اخلاق و مبارزه در راه حق آشنا شد.

پدرش، «عبدالکریم نصرالله»، مردی ساده و زحمتکش بود که با اداره یک مغازه مواد غذایی، زندگی خانواده را تأمین می‌کرد. اگرچه خانواده نصرالله از نظر مالی در سطح متوسطی قرار داشت، اما در محیطی گرم و صمیمی، با ارزش‌های اسلامی و اخلاقی رشد کرد. مادرش نیز نقش دینی و روحیه انقلابی او ایفا کرد و از همان سنین کودکی، عشق به اهل بیت (ع) را در دل فرزند خود کاشت. کودکی نصرالله، همزمان با تحولات سیاسی و اجتماعی پرتلاطم لبنان بود. در آن دوران، شکاف‌های طبقاتی و درگیری‌های داخلی، فضای کشور را تحت تأثیر قرار داده بود. به‌ویژه جنوب لبنان، که زادگاه نصرالله و خانواده‌اش بود، به‌طور مداوم تحت تهدید حملات رژیم صهیونیستی قرار داشت. این شرایط باعث شد که از همان سنین پایین، ذهن او نسبت به مسائل سیاسی و ظلم‌های موجود در جامعه حساس شود. سید حسن تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاه خانواده‌اش، البازوریه آغاز کرد، اما پس از مدتی، خانواده‌اش به ضاحیه جنوبی بیروت نقل مکان کردند و او ادامه تحصیلاتش را در این منطقه گذراند. در همان دوران، علاقه و استعداد ویژه‌ای به علوم دینی از خود نشان داد و به مطالعه کتاب‌های مذهبی پرداخت. گرایش او به فراگیری معارف اسلامی، او را از دیگر همسالانش متمایز می‌کرد و همین امر موجب شد که در سال‌های نوجوانی به حوزه علمیه وارد شود و مسیر علمی و مبارزاتی خود را آغاز کند.

دوران کودکی و نوجوانی نصرالله، سرآغاز شکل‌گیری شخصیتی شد که بعدها به یکی از رهبران بزرگ مقاومت اسلامی تبدیل گردید. آموزه‌های دینی، تجربیات خانوادگی و شرایط اجتماعی آن دوره، زمینه‌ساز تفکرات و باورهایی شد که او را به سمت مبارزه با ظلم و دفاع از آرمان‌های اسلامی و انسانی سوق داد.

جوانی و ورود به مسیر علم و مبارزه

در ۱۵ سالگی به جنبش امل، که آن زمان به «جنبش محرم‌ان» معروف بود، پیوست و خیلی زود توانست نماینده منطقه خود در این تشکل شود. یک سال بعد، برای تحصیل علوم دینی راهی نجف اشرف شد. او که علاقه خاصی به یادگیری داشت، با حمایت سید محمد غروی و توصیه‌نامه‌ای از او، خود را به حوزه علمیه نجف رساند. در آنجا با سید عباس موسوی آشنا شد و این دوستی به یک رابطه استادی و شاگردی عمیق تبدیل شد. نصرالله تحت آموزش‌های سید عباس و با هدایت سید محمدباقر صدر، مراحل مقدماتی تحصیل را با سرعت پشت سر گذاشت.

دقیق‌تر و مفصل‌تر می‌توان گفت: با ورود به دوران نوجوانی، سید حسن نصرالله بیش از پیش به تحولات سیاسی و اجتماعی لبنان توجه نشان داد. جنگ داخلی لبنان که از سال ۱۹۷۵ آغاز شده بود، کشور را درگیر درگیری‌های شدید میان گروه‌های مختلف سیاسی و مذهبی کرده بود. این فضای پرتلاطم، جوانانی مانند نصرالله را به سوی فعالیت‌های فکری، فرهنگی و مبارزاتی سوق می‌داد. در همین دوران، علاقه شدیدی او به علوم دینی باعث شد که در سن ۱۵ سالگی به حوزه علمیه شعیبان در شهر «نجف» عراق سفر کند. نجف، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و مذهبی جهان، تسبیح، محل پرورش بسیاری از علمای برجسته بود. در این حوزه، نصرالله تحت تأثیر آموزه‌های استادان برجسته‌ای مانند آیت‌الله سید محمدباقر صدر قرار گرفت. اما اقامت او در نجف چندان طولانی نشد؛ چراکه رژیم بعث عراق، که سیاست‌های سرکوبگرانه‌ای علیه شیعیان در پیش گرفته بود، او را در سال ۱۹۷۸ به همراه بسیاری از طلاب و علمای دیگر از کشور اخراج کرد.

پس از اخراج از عراق، نصرالله به لبنان بازگشت و تحصیلات حوزوی خود را در حوزة علمیه بعلبک ادامه داد. این حوزه که در آن زمان تحت نظارت علمایی مانند سید عباس موسوی قرار داشت، به یکی از پایگاه‌های مهم علمی و انقلابی در لبنان تبدیل شده بود. حضور در این حوزه، علاوه بر تعمیق دانش دینی نصرالله، او را بیش از پیش به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی سوق داد.

در همین دوره، او به جنبش «امل» پیوست. این جنبش که توسط امام موسی صدر تأسیس شده بود، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های شیعی لبنان، نقش پررنگی در دفاع از حقوق شیعیان و مبارزه با اشغالگری رژیم صهیونیستی داشت. عضویت نصرالله در امل، اولین گام رسمی او در مسیر مبارزات سیاسی و نظامی بود. اما شرایط لبنان به‌سرعت در حال تغییر بود. در سال ۱۹۸۲، رژیم صهیونیستی تهاجم گسترده‌ای به لبنان انجام داد و تا پایتخت، بیروت، پیشروی کرد. این تجاوز نظامی، تحولات جدیدی را در میان گروه‌های مقاومت رقم زد. در این میان، فشارهای داخلی و بین‌المللی بر جنبش امل افزایش یافت تا وارد مذاکره با رژیم صهیونیستی شود. این رویکرد، برخی از اعضای امل، از جمله سید حسن نصرالله، سید عباس موسوی، رافع حرب و شیخ صبحی طفیلی را به این نتیجه رساند که برای ادامه مبارزه، باید مسیری مستقل از امل در پیش بگیرند.

همین تفکر، زمینه‌ساز تأسیس یک گروه جدید مقاومتی شد که بعدها به «حزب‌الله» معروف گردید. این گروه، با تأکید بر مبانی جهاد، مقاومت اسلامی و مقابله با اشغالگری، مسیر جدیدی را در لبنان آغاز کرد. نصرالله که در این زمان جوانی ۲۲ ساله بود، به یکی از چهره‌های کلیدی این جریان تبدیل شد و نقشی فعال در سازماندهی نیروها و تبیین ایدئولوژی حزب ایفا کرد.

جوانی نصرالله، آمیخته‌ای از تحصیل علوم دینی، تلاش‌های فکری و فرهنگی، و ورود به عرصه مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران بود. او در این دوران، شخصیتی را پرورش داد که بعدها به رهبر برجسته‌ای در مقاومت اسلامی لبنان تبدیل شد.

بازگشت به لبنان و آغاز مسیر «مقاومت»

در سال ۱۹۷۸ میلادی، رژیم بعث عراق او و سید عباس موسوی را از کشور اخراج کرد. نصرالله پس از مدتی تحصیل در قم، به لبنان بازگشت و تحصیلات خود را در حوزه علمیه بعلبک ادامه داد. همزمان با ادامه تحصیل، فعالیت خود را

«سید حسن نصرالله» سال ۱۹۶۰ در بیروت متولد شد. او که از کودکی به آموزه‌های دینی علاقه داشت، در نوجوانی به جنبش امل پیوست و سپس برای تحصیل علوم دینی به نجف رفت، اما پس از اخراج از عراق، تحصیلات خود را در لبنان ادامه داد. او که تحت تأثیر مقاومت امام خمینی بود، با اشغال لبنان در ۱۹۸۲، از امل جدا شد و همراه با سید عباس موسوی و دیگران حزب‌الله را تأسیس کرد. در ۱۹۹۲، پس از شهادت موسوی، دبیر کل حزب‌الله شد و این جنبش را به نیرویی تأثیرگذار در منطقه تبدیل کرد. نصرالله سرانجام در مه ۱۴۰۳ در حمله رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. وقتی این گزارش زندگی‌نامه‌ای برای او، آن هم به مناسبت نزدیک شدن به روز تشییع پیکر او (۵ اسفند)، نگاشته شد، به دنبال پیدان کردن «تیترو» مناسبی بودیم، اما به نظر آمد که هر چیزی اضافه‌تر از نام «نصرالله» اضافه‌نویسی است! روح این رهبر باهوش و سختکوش مقاومت شاد! ای‌دون باد!

یکی از چهره‌های برجسته این گروه تازه‌تأسیس شد و نقش مهمی در هدایت و سازماندهی آن ایفا کرد. این مرحله، مسیری بود که سید حسن نصرالله را به یکی از مهم‌ترین رهبران مقاومت در جهان اسلام تبدیل کرد.

تحکیم جایگاه حزب‌الله و نقش رهبر نصرالله

پس از سال‌ها فعالیت در حزب‌الله، سید حسن نصرالله در سال ۱۹۹۲ میلادی، پس از شهادت سید عباس موسوی، به‌عنوان دبیر کل این جنبش انتخاب شد. با وجود سن کم نسبت به دیگر رهبران، او توانست با درایت و شجاعت، حزب‌الله را به نیرویی تأثیرگذار در منطقه تبدیل کند. با تکیه بر حمایت ایران و سوریه، معادله جدیدی را در برابر رژیم صهیونیستی به وجود آورد که بر پایه اصل «موازنه و حشمت» بود. او در عرصه جنگ روانی نیز مهارت ویژه‌ای داشت و به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین رهبران مقاومت شناخته شد.

اگر بخواهیم همین مطلب را بیشتر بسط دهیم باید بگوییم: با تشکیل حزب‌الله در سال ۱۹۸۲، سید حسن نصرالله همراه با دیگر رهبران این گروه، مسیر مقاومت علیه اشغالگران صهیونیست را آغاز کرد. حزب‌الله، که با الهام از آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران و با حمایت معنوی و راهبردی جمهوری اسلامی شکل گرفته بود، از همان ابتدا بر سه اصل اساسی تأکید داشت: مبارزه با اشغالگری رژیم صهیونیستی، مقابله با نفوذ آمریکا و عرب در منطقه، و گسترش فرهنگ مقاومت اسلامی در لبنان و جهان عرب. این اصول، باعث شد حزب‌الله به‌سرعت به نیروی قدرتمند و محبوب در میان مردم لبنان تبدیل شود.

در این مسیر، سید حسن نصرالله نقش کلیدی در گسترش نفوذ و توانمندی

